

## امر به معروف و نهی از منکر از منظر دین و شرایط اقامه ی آن

سید اسماعیل حسینی اجداد\*: استادیار، گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان  
سیده اکرم رخشنده نیا: استادیار، گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان

دوفصلنامه تخصصی پژوهشهای میان رشته ای قرآن کریم

سال سوم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۱، ص ۲۳-۱۵

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۰/۹/۱۷

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۰/۱۲/۷

### چکیده

در قرآن کریم، آیات زیادی بر امر به معروف و نهی از منکر دلالت دارند؛ بعضی از این آیات به طور صریح و آمرانه و بعضی به طور غیرمستقیم و ارشادگرایانه به رواج این دو آموزه دینی می پردازند. با مطالعه کتب حدیث درمی یابیم که بیانات ائمه هدی (ع) درباره وجوب امر به معروف و نهی از منکر؛ ترجمان وحی و تفسیر قرآن کریم و در راستای مضامین و اهداف قرآنی است. شرایط اقامه امر به معروف و نهی از منکر در همه افراد جمع نمی شود، بلکه بعضی از مردم صلاحیت اقامه آن را دارند. هر چند همه مردم مخاطب آن هستند، ولی به آن مأمور نیستند و این شروط جز در «معصوم» و گروه مؤمنان جمع نمی شود. از مهم ترین فرضیه های این تحقیق آن است که آیا در حکومت اسلامی فقط صاحبان قدرت و ابزارهای قدرتمند باید امر به معروف و نهی از منکر نمایند؟ با توجه به یافته های مقاله، به این باور رسیدیم که انجام این دو فریضه توسط آحاد مؤمنین نه تنها باعث هرج و مرج و آشوب طلبی نمی شود، بلکه باعث استحکام پایه ها و باورهای اسلامی می شود و در تربیت عمومی جامعه بسیار تأثیرگذار است؛ همچنین عدم تأثیر امر به معروف و نهی از منکر در مخاطب، نمی تواند بهانه و توجیهی برای ترک این عمل باشد.

**کلید واژه ها:** قرآن، امر به معروف، نهی از منکر، تربیت اجتماعی.

## ۱- مقدمه

و ارزش‌های اخلاقی، از طرق مختلف پدیده نظم اجتماعی را سامان می‌دهد؛ بنابراین هرگاه ارزش‌های اجتماعی، قواعد رفتاری و هنجاری رعایت نشود، نظم اجتماعی آسیب می‌بیند. این امر منجر به شکل‌گیری انحرافات و کج روی اجتماعی می‌شود. جوامع بشری همواره در گرداب انحرافات اخلاقی و اجتماعی فرورفته‌اند و باعث زوال درونی خود شده‌اند.

انحرافات یا کجروی در جامعه شناسی غالباً «انحرافات اجتماعی» نامیده می‌شود؛ «شیوه‌ای رفتاری که برخلاف وفاق جامعه است. و عدم هم‌نواپی با یک هنجار یا مجموعه‌ای از هنجارهایی که مورد قبول اکثریت اعضای یک جامعه است، را می‌توان انحراف اجتماعی نامید.» (احمدی، ۱۳۸۷: ۴)؛ به‌طور کلی، انحراف پدیده‌ای اجتماعی است که هیچ شیوه مطلق یا جهانی برای تعریف آن وجود ندارد؛ چرا که انحرافات اجتماعی در ارتباط با زمان، مکان و موقعیت اجتماعی افراد و ایدئولوژی‌های مختلف مادامی که از سرچشمه و منبع وحی الهی سرازیر نشده باشد، نسبی است. از منظر حقوقی، انحرافات اجتماعی «عملی است که به وسیله قانون منع شده و مرتکب آن طبق قانون کیفر می‌بیند.» (شیخاوندی، ۱۳۷۳: ۴۸)؛ حال اگر در جامعه اسلامی، همه اقشار جامعه به صورت زبانی مانع انحرافات گردند، و در این راستا امر به معروف و نهی از منکر نمایند، رواج منکر به حداقل می‌رسد.

## ۲- جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در قرآن

جامعه‌شناسان یکی از کارکردهای دین را نظارت و کنترل اجتماعی قلمداد می‌کنند و بر این باورند که «دین از طریق تقویت ارزش‌ها و هنجارهای مهم و مسئول دانستن انسان‌ها در سرنوشت مشترک‌شان، نقش مهمی در کنترل اجتماعی ایفاء می‌کند.» (کورز، ۱۳۸۰: ۲۰۰) امر به معروف و نهی از منکر به عنوان دو اصل اصلاح‌جویی و مبارزه دایم با فساد، شالوده اصلی و اساسی تربیتی اسلام است، که افراد را به مشارکت اجتماعی و نظارت و کنترل اجتماعی ملزم می‌کند. در قرآن آیات زیادی وجود دارند، که دلالت بر امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند؛ بعضی از این آیات به صراحت و به‌طور آمرانه در این زمینه تأکید دارند؛ و بعضی به‌طور غیرمستقیم و ارشادگرایانه به رواج این دو آموزه دینی می‌پردازند؛ که ما به بعضی از این‌ها اشاره می‌کنیم:

۱-۲ «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ: باید از میان شما گروهی باشند که دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر نمایند و آنان رستگارانند.» (آل عمران/۱۰۴).

همان‌طور که در نزد علمای نحو مشهور است، «من» در این

بشر از دیرباز، برای حفظ زندگی اجتماعی و جلوگیری از زوال آن به یک سری قوانین و مقرراتی روی آورد تا بدین سبب مانع هرج و مرج در جامعه گردد. جوامع بشری در برابر هنجارشکنی‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در راستای بقای خود باید از مقرراتی بهره ببرند. چرا که مقررات و ضوابط جامعه بشری مانع تخلف از ارزش‌ها و اعتقادات اجتماعی می‌شود. هرگاه افراد یا گروه‌هایی بخواهند ارزش‌های زندگی اجتماعی را نادیده بگیرند، بخشی از قدرت جامعه، تحت عنوان نیروهای امنیتی و انتظامی، با جلوگیری آنان از اعتقادات و ارزش‌های عمومی جامعه دفاع می‌کنند. این موارد اصول و مبانی نظارت اجتماعی را شامل می‌شود. ضرورت این نظارت برای حفظ موجودیت اجتماع، قسمتی از تئوری جامعه‌شناسان است؛ به همین سبب امر به معروف و نهی از منکر به شکل عام و گسترده، اساسی‌ترین و کارآمدترین شیوه برای نظارت اجتماعی محسوب می‌شود.

در مباحث اسلامی، امر به معروف و نهی از منکر دو فریضه اساسی برای نظارت عمومی در جامعه است. این دو، جزء فروع دین و ضروریات لاینفک دین مبین اسلام هستند، و به علت احکام و مضامین مشترک‌شان، غالباً در قرآن و احادیث معصومین (ع) در کنار هم بحث می‌شوند.

از مجموعه آیات و روایات می‌توان برداشت کرد که دین اسلام با استفاده از این دو فروع دینی می‌خواهد افراد جامعه را طوری تربیت کند که همه انسان‌ها نسبت به یکدیگر احساس مسئولیت نمایند تا در مسیر اهداف و تعالی رشد انسانی حرکت کنند؛ چرا که مصالح دنیوی و اخروی مسلمانان به جهت ارتباط با یکدیگر براساس امر به معروف و نهی از منکر بسیار چشم‌گیر می‌باشد.

## ۱-۱- فرضیات و روش تحقیق

این مقاله با روش کتابخانه‌ای و با تجزیه و تحلیل بعضی از آیات و احادیث سعی دارد این نظر که فقط قدرت و افرادی ویژه و وابسته به حکومت اسلامی باید امر به معروف و نهی از منکر نمایند؛ را رد کند. نگارنده درصدد اثبات این فرضیه است؛ که در آموزه امر به معروف و نهی از منکر، انجام این دو فریضه توسط انظار عمومی و آحاد مؤمنین نه تنها باعث هرج و مرج و آشوب طلبی نمی‌شود، بلکه موجب استحکام پایه‌های حکومت اسلامی نیز می‌گردد و در تربیت اجتماع بسیار مؤثر است.

## ۱-۲- اهمیت موضوع

انسان به عنوان موجودی با فرهنگ برای حفظ روابط اجتماعی

۱۸۷)؛ بنابراین ظاهر آیه و خطاب آن به همه مؤمنان است؛ به طوری که مؤمنان بسان تکلیف به روزه در آیه: «كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ» (بقره/۱۸۳)، همگی مکلف شده اند که امر به معروف و نهی از منکر را بر پا دارند. (مجلسی، ۱۴۰۴، ۳۵: ۲۰۴) و در مسیر تحقق آرمان های آن بکوشند؛ و تنها در این صورت است که جامعه اسلامی و اهداف متعالی آن استوار می شود.

۲-۳- «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِّنْهُمْ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ: شما بهترین امتی هستید که از میان مردم انتخاب شده اند. امر به معروف و نهی از منکر می کنید و به خدا ایمان دارید و اگر اهل کتاب ایمان بیاورند، برای آنها بهتر است. فقط بعضی از آنها ایمان دارند و بیشتر آنها فاسق هستند.» (آل عمران/۱۱۰).

این آیه نیز در زمره آیات قرآنی است که بر وجوب امر به معروف و نهی از منکر دلالت دارد. مقرون شدن امر به معروف و نهی از منکر با ایمان به خدا دلالت بر وجوب آن دارد. همچنان که در آیه: «يَا بَنِيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ...» (لقمان/۱۷) قرین شدن امر به معروف و نهی از منکر با اقامه نماز، دلالت بر وجوب آن دارد. (مفید، ۱۴۱۳: ۸۰۸).

شرط اقامه امر به معروف و نهی از منکر در همه افراد جمع نمی شود؛ بلکه بعضی از مردم صلاحیت اقامه آن را دارند. هرچند همه مردم مخاطب آن هستند، ولی همگی به آن مأمور نیستند و این شروط جز در «معصوم» جمع نمی شود. (حسینی استرآبادی، ۱۴۰۹: ۱۲۶)؛ مسلماً مراد از بهترین امت این نیست که حکومت های آغازین اسلامی و مردمان آنها بهترین امت بودند، چرا که کشتن وصی خدا (ع) و واگذاشتن او و حوادث خونین کربلا، این وهم را برای همه روشن می کند و فلسفه تأویل «خیر ائمه» به «خیر ائمه» در کلام ائمه اطهار نیز در همین راستا بوده است. (حلی، ۱۴۰۹: ۱۰۷ و قمی، ۱۴۰۱، ج ۱: ۱۰ و ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۴: ۱۳۰).

به همین سبب اقامه صحیح و همه جانبه امر به معروف و نهی از منکر یا وجود قدرت، فقط در زمان امام معصوم امکان پذیر است: «الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ...: کسانی که اگر در زمین به آنان قدرت دهیم، نماز را برپا می دارند و زکات می دهند و امر به معروف و نهی از منکر می کنند.» (حج/۴۱) از این رو اکثر کتب تفسیری منظور از قدرت و برپایی همه جانبه امر به معروف و نهی از منکر را در زمان حضرت مهدی (عج) می دانند. (کوفی، ۱۴۱۰: ۲۷۳ و حاکم حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۱: ۵۲۳). بنابراین رسالت امر به معروف و نهی از منکر به سبب تغییر جامعه بر اساس هدایت الله است؛ چرا که خداوند با این دستور، فضای هدایت جامعه را برای بندگانش ترسیم می کند

آیه «تبعیضیه» می باشد (محلی و سیوطی، ۱۴۱۶ق: ج ۱: ۶۶)؛ یعنی بعضی از افراد باید امر به معروف انجام دهند. از امام صادق (ع) درباره این آیه سؤال شد که آیا امر به معروف و نهی از منکر بر همه امت - بر طبق معنای ظاهری آیه - واجب است؟ ایشان فرمودند: نه؛ بلکه این عمل بر شخصی که قومی فرمانش را ببرند، میسر می شود. این دستور قرآنی خاص است که عمومیت ندارد (عروسی الحویزی، ۱۴۱۵ق: ۱، ۳۸۰)؛ چنانچه خداوند فرمود: «وَمِنْ قَوْمٍ مُّوسَىٰ أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ...: بعضی از قوم موسی به حق هدایت می کنند.» (اعراف/۱۵۹) و نفرمود: «علی قوم موسی» «یعنی همه آن قوم» که در این صورت به همه افراد واجب می گشت. (کلینی، ۱۳۶۵، ۵، ۵۹؛ محدث نوری، ۱۴۰۸، ج ۲: ۱۸۷؛ حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۶: ۱۲۶ و طوسی، ۱۳۶۵، ج ۶: ۱۷۷).

بعضی دیگر از مفسرین بر اساس حدیثی از امام باقر (ع) معنای امر به معروف را بسیار ویژه می دانند؛ و آن را در اختیار افرادی خاص قرار می دهند؛ و معتقدند: این آیه متعلق به آل محمد (ص) و تابعین آن هاست که به خیر دعوت می کنند؛ و امر به معروف و نهی از منکر می نمایند. (قمی، ۱۴۰۴، ج ۱: ۱۰۸).

اما برخی از علمای تفسیر «من» را در آیه مذکور «بیانیه» می دانند و استدلال به «بعیضیه» را صحیح نمی دانند؛ در این صورت وجوب امر به معروف و نهی از منکر فراگیر می شود. به عبارت دیگر هر کس که علم به امر به معروف و نهی از منکر داشته باشد و شرایط آن را بداند، بر او واجب می شود. (راوندی، ۱۴۰۵، ج ۱: ۳۵۸) اما، علامه طباطبایی (ره) معتقد است که بحث درباره بیانیه یا تبعیضیه بودن «من» فایده چندانی ندارد؛ چرا که در هر صورت آیه بر وجوب کفایی دلالت خواهد داشت. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۳: ۳۷۳).

۲-۲- «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ: مردم مؤمن از مردان و زنان، بعضی از آن ها اولیای بعضی دیگرند؛ امر به معروف و نهی از منکر می کنند و نماز را برپا می دارند و زکات می دهند، خدا و رسول او را اطاعت می کنند و آنها کسانی هستند که خداوند بر آن ها رحمت خواهد فرستاد. به درستی که خداوند عزیز و حکیم است.» (توبه/۷۱).

نظرات و تفسیرهای مختلفی در ذیل این آیه ذکر شده است که اکثراً دلالت بر وجوب امر به معروف و نهی از منکر دارد. (طوسی، بی تا، ج ۵: ۲۵۷ و ابن شهر آشوب، ۱۴۱۰، ج ۲: ۱۸۷)؛ حتی بعضی از علماء معتقدند بر اساس این آیه امر به معروف و نهی از منکر وظیفه همه مؤمنان است؛ و در این مورد هیچ اختلاف نظری وجود ندارد. (ابن شهر آشوب، ۱۳۲۸، ج ۲:

(فضل الله، ۱۴۱۹، ج: ۶، ۲۱۴).

افراد یک اجتماع سالم، همانند اعضای یک بدن، در مسیر حیات اجتماعی و سازمان دادن به زندگی صحیح انسانی سهیم و شریکند و هیچ یک از آنان نمی‌توانند خود را در قبال سود و ضررهای اجتماعی بی تفاوت نشان داده و به تبع آن عکس‌العملی نشان ندهند. این جاست که مسأله امر به معروف و نهی از منکر (نظارت همگانی) ضرورت پیدا می‌کند و موقعیت اساسی و بنیادی آن در صحنه حیات انسان خود را نشان می‌دهد.

این دو آموزه، جزء اصول پذیرفته شده همه اقوام و ملل است؛ زیرا در بردارنده منافع انسان‌ها و منطبق با عقل و فطرت است. از آنجا که افراد یک جامعه سالم مانند اعضای بدن انسان، در راه زندگی اجتماعی و ایجاد حیات صحیح انسانی صحیح و شریک می‌باشند و هیچ یک از آنها نمی‌توانند در برابر قوت‌ها و کاستی‌های جامعه بی تفاوت باشند، مسأله نظارت همگانی (امر به معروف و نهی از منکر) برای جلوگیری از فساد و سوق جامعه به سوی اصلاح، ضرورت می‌یابد؛ چرا که «هزاران گونه دگرگونی و فساد و عقب ماندگی و شرور شناخته شده و ناشناخته برای جوامع اسلامی و ملل دیگر از نادیده گرفتن این آموزه، مایه گرفته است؛ امری که در صورت رعایت جوانب الهی آن، مسلمانان را پیوسته در حال انقلاب فکری و تحول و تکامل و هماهنگی نگه می‌دارد» (طالقانی، ۱۳۶۲، ج: ۵، ۲۸۴).

از سوی دیگر، امر به معروف و نهی از منکر، فرآیند ایجاد شناخت و شکل دهی بایدها و نبایدهاست. ایجاد شناخت و آگاهی نسبت به معروف (ارزش‌ها) و فواید عمل به آنها و به دست آوردن بینش صحیح نسبت به منکرات یا همان عوامل تهدید ارزش‌ها و آسیب‌های آن در ساختار اجتماع می‌باشد. این شناخت که صفت برانگیزاننده و محرک بودن را در خود دارد، باعث بیدارشدن میل یا ذوق فطری انسان‌ها در جذب نیکی‌ها و طرد بدی‌ها و صیانت از هنجارهای مقبول و هم‌نوایی اعضای جامعه در این امر می‌شود. به این ترتیب، امر به معروف و نهی از منکر با شناختی که در افراد جامعه نسبت به نیکی‌ها و بدی‌ها ایجاد می‌کند به حفظ ارزش‌ها و هنجارهای موجود در جامعه و تحقق امنیت اجتماعی یاری می‌رساند. «بنابراین امر به معروف و نهی از منکر برای حفظ زندگی بشر امر مثبتی تلقی می‌گردد. چون با ممانعت در برابر شر و تشویق به خیر، جامعه را از عوامل فساد حفظ می‌کند. این کار، علی‌رغم سختی‌های آن برای قوام جامعه سالم و اجرای فرامین الهی ضروری است» (قطب، ۱۴۱۲ق: ۱، ۴۷۷). بنابراین از دید قرآن و روایات، امر به معروف و نهی از منکر ضامن بقای جامعه و ترک این دو سبب هلاک و نابودی جوامع است.

### ۳- امر به معروف و نهی از منکر در احادیث

آسیب‌های اجتماعی یکی از پدیده‌هایی است که در تمامی جوامع و در تمام دوران وجود داشته و برخورد با آنها در جوامع مختلف، متفاوت بوده است؛ اما، یکی از بنیادی‌ترین مسائل در پیشگیری و کنترل آسیب‌های اجتماعی توجه به موضوع فرهنگ جوامع و بومی‌سازی شیوه‌های اتخاذ شده در تمامی عرصه‌هاست. یکی از راه‌های مؤثر در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی در کشور ما؛ توجه به آموزه‌های دینی است. (میری آشتیانی، ۱۳۸۲: ۲۲).

با مطالعه در آیات قرآنی و متون اسلامی درمی‌یابیم که بیانات معصومین (ع)، ترجمان وحی و تفسیر قرآن کریم است؛ با توجه به این مطلب، به ذکر بعضی از احادیثی که در زمینه این دو فریضه الهی بیان شده اکتفا می‌کنیم:

پیامبر اکرم (ص) بعد از ایمان به خدا و صلح و صلوات بر او فریضه را جزء برترین اعمال در نزد خدا ذکر نمودند. (طوسی، ۱۳۶۵، ج: ۶، ۱۷۶؛ و البرقی، ۱۳۷۱، ج: ۱، ۲۹۱ و طبرسی، ۱۳۸۵: ۱۶۷) و بیان فرمودند که هر کس به انجام این دو عمل مبادرت ورزد، جانشین خدا و رسولش در روی زمین است. (طبرسی، بی تا، ج: ۳، ۴۸۶).

پیامبر (ص) در رابطه با اهمیت امر به معروف و نهی از منکر بیان فرمودند که آیا به شما درباره کسانی خبر دهم که جزء شهدا و انبیا نیستند، ولی مردم به مقام و جایگاه آنان در پیش خدا که بر منبرهایی از نور هستند، غبطه می‌خورند؛ سؤال شد که آنان چه کسانی هستند. ایشان (ص) فرمودند: آنان کسانی هستند که بندگان خدا را محبوب خدا و خدا را محبوب بندگانش می‌گردانند. سؤال شد، معنای محبوب گردانیدن خدا در نزد بندگانش معلوم است اما چگونه بندگان خدا را محبوب خدا می‌گردانند؟ پیامبر (ص) در جواب فرمود: به چیزی که خداوند متعال دوست دارد، دعوت می‌کنند و از چیزی که خداوند بدش می‌آید، نهی می‌کنند. پس هنگامی که بندگان خدا، او را اطاعت می‌کنند، محبوب خدا می‌گردند و خداوند متعال آنان را دوست می‌دارد. (نوری، ۱۴۰۸، ۲: ۱۸۲).

امام علی (ع) نیز ضمن تشویق مردم به انجام این دو فریضه، فرمودند که امر به معروف و نهی از منکر نه مرگ کسی را نزدیک می‌سازد و نه از روزی کسی می‌کاهد؛ ولی پاداش را دو چندان و اجر را بزرگ می‌گرداند و بهتر از این دو، آن سخنی است که در راه خدا و در مسیر دفاع از عدالت در برابر پیشوای ستمگری گفته شود. (کلینی، ۱۳۶۵، ج: ۵، ۵۷ و قمی، ۱۴۰۴ق: ۲، ۳۶)؛ چرا که اجرای این فریضه پشت مؤمنان را محکم می‌کند. (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ۶۸، ج: ۳۴۸) از این رو، تعجبی نیست اگر گفته شود «قوام و اساس شریعت اسلام، امر به معروف و نهی از منکر و برپاداشتن حدود الهی است.» (آمدی، ۱۳۶۶: ۳۳۲).

درباره شرط چهارم با استناد به آیه ی: «...وَلَا تَلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ...» (بقره/۱۹۵) اعتقاد عمومی بر این است که در صورت ترس از زیان مالی و جانی بر خود و یا دیگران، شرط وجوب ساقط می گردد. از مواردی که برای ساقط کردن این حکم استناد شده، آیه: «...إِنَّ الْقَوْمَ اسْتَضَعُّوْنِي وَكَادُوا يَقْتُلُونِي...» (اعراف/۱۵۰) می باشد که هارون برای حفظ جان خویش از تداوم نهی از منکر امتناع کرد. این تعمیم در همه موارد صحیح نیست؛ چرا که معروف و منکر از اموری است که از نظر شارع مقدس اهمیت فراوانی دارد؛ مانند حفظ اسلام، شعائر قرآن و احکام ضروری که باید با مقایسه اهم و مهم، مهم تر را در نظر گرفت و فقط با استناد به آیه حفظ جان و دفع ضرر، وجوب امر به معروف و نهی از منکر برداشته نمی شود؛ بلکه باید برای حفظ موارد ضروری اسلامی جان یا جان های زیادی فدا شود. آیاتی نیز در قرآن در تأیید این مطلب آمده است؛ برای مثال، در آیه «يَا بَنِيَّ اَقِمِ الصَّلَاةَ وَاْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَاَنْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَاَصْبِرْ عَلٰى مَا اَصَابَكَ...» (لقمان/۱۷) مراد از صبر، استقامت در برابر دشواری ها و رنج هایی است که در راه امر به معروف و نهی از منکر وجود دارد. (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۶: ۳۵۹).

علاوه بر آیات، احادیثی که امر به معروف و نهی از منکر را جزء جهاد دانسته و نیز شهادت بسیاری از اولیای خدا در اجرای این فریضه، مؤید این مطلب است که در امور مهم و اساسی، مشکلات و مصیبت ها نمی توانند مانع امر به معروف و نهی از منکر شوند و یا سرباز زدن، آن را توجیه کنند.

برخی از جامعه شناسان و علمای سیاست انجام دادن این دو فریضه مهم قرآنی را نیازمند قدرت و تشکیلات مقتدر حکومتی می دانند و معتقدند اگر همه آحاد جامعه امر به معروف و نهی از منکر نمایند، جامعه دچار هرج و مرج و آشوب می گردد. در نقد این نظر می توان گفت که اگر فقط صاحبان قدرت بخواهند امر به معروف و نهی از منکر کنند، ممکن است آرای شخصی و دولتی به خاطر مصلحت عمومی و کسب آرای بیشتر مردم در جهت رضایت آنان، در برابر منکرات چشم پوشی کند؛ در این صورت تکلیف چیست؟ آیا در نظام هایی که بر پایه دموکراسی است و رهبری ولی فقیه یا فقیه عادل را قبول ندارند یا از روی مصلحت و منافقانه قبول نمایند، می توان گفت که فقط صاحبان قدرت، امر به معروف و نهی از منکر کنند و دیگران به خاطر جلوگیری از هرج و مرج باید ساکت بنشینند، قطعاً چنین نظریه ای مردود است. چون صاحبان قدرت در نظام های دموکراسی همیشه متکی بر رأی آحاد جامعه هستند؛ از سوی دیگر اکثر افراد جامعه را غافلان و مردمان بی اطلاع از این فریضه تشکیل می دهند، پس چگونه می توان هم رأی مردم را در نظر گرفت و هم به فریضه امر به معروف و نهی از منکر پرداخت. در چنین جوامعی معروف

امام باقر(ع) در ضمن یک حدیث طولانی بیان می فرمایند که امر به معروف و نهی از منکر فریضه بزرگی است که همه واجبات بر پایه آن استوار می گردند؛ این دو، راه انبیا و شیوه صالحان است که در آمدها بدان سبب حلال می شود و ستم ها دفع و زمین آباد می گردد و از دشمنان انتقام گرفته می شود. از این رو، به مردم سفارش می فرمایند که با قلب هایشان، منکر را زشت بشمارند و با زبان هایشان آن را بیان کنند و در این راه از سرزنش هیچ کسی، بیمی به خود راه ندهند. (کلینی، ۱۳۶۵: ۵، ۵۵ و طوسی، ۱۳۶۵: ۶، ۱۸۰ و احسائی، ۱۴۰۵ق، ج ۳، ۱۸۸).

امام صادق(ع) نیز تصریح می فرمایند که امر به معروف و نهی از منکر برای کسی که امکان انجام آن را داشته باشد، واجب است؛ چنین کسی نباید خود و یارانش در راستای انجام این فریضه، ترسی داشته باشند. (عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۶: ۱۳۵ و شیخ صدوق، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ۶۰۸).

### شرایط امر به معروف و نهی از منکر و نقدی بر آن

انجام این دو فریضه در نظر بیشتر فقها موكول به شروط چهارگانه است؛ یعنی شخص امر کننده به معروف، باید نخست معروف و منکر را بشناسد؛ دوم اینکه احتمال تأثیر بدهد و مطمئن باشد که این کار او در مخاطب یا جامعه تأثیرگذار است؛ سوم مخاطب اصرار بر گناه داشته باشد و چهارم در مسیر اجرای امر به معروف و نهی از منکر مفسده ای نداشته باشد. درباره این شروط و صحت نظرات فوق، دیدگاه های مختلفی مطرح شده است.

درباره شرط نخست نمی توان بی اطلاعی و جهل را بهانه ای برای ترک این فریضه قرار داد؛ بلکه، باید در مسیر این شناخت قرار گرفت و موارد معروف و منکر را به سبب وجوب آن در قرآن، به دقت فرا گرفت. درباره شرط دوم نیز نمی توان تنها عدم تأثیر بر مخاطب را بهانه ای برای ترک این عمل قرار داد؛ بلکه ممکن است امر به معروف و نهی از منکر در مواردی بر مخاطب تأثیر نداشته باشد؛ اما آثار تخریبی دیگری همچون رواج بدعت ها و شکستن قبح عقاید جامعه و عرف و هتک حرمت ها را به دنبال داشته باشد که در چنین مواردی سکوت جایز نیست؛ بلکه باید به انجام این فریضه مبادرت ورزید: «إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ أُولَٰئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ» (بقره/۱۵۹). بنابراین کتمان بیانات و دلایل روشن هدایت بشری، لعنت خدا و نفرین اولیای او را به دنبال دارد. هر چند که برخی با استناد به آیه ی «فَذَكِّرْ إِنْ نَفَعَتِ الذِّكْرَىٰ» (اعلیٰ/۹) معتقدند که در هر حالت -چه تأثیر داشته باشد، چه نداشته باشد- انجام این فریضه برای جامعه سودمند است.

که پیامبر(ص) فرمود: روزی برسد که از اسلام جز نام و از قرآن جز شعار چیزی باقی نماند. (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۵۲: ۹۰)

#### ۴- امر به معروف ونهی از منکر در جامعه‌شناسی

باور دانشمندان جامعه‌شناس مسلمان بر این است که دین مبین اسلام در باب اداره جامعه دارای مدلی جامع، کامل و کارآمد است. در این مدل کامل نظام‌ها و ساختارهای عالی در ارتباط معنی‌دار با یکدیگر طراحی و پیش‌بینی گردیده‌اند از جمله:

نظام مدیریت و هدایت در تئوری امامت معصوم(ع) و ولایت فقیه توضیح و تبیین گردیده است.

سازماندهی اجتماعی با تشکیلات تکرار شونده هسته‌های مساجد

نظام اقتصادی با چارچوب‌های اصلی خمس، زکات، انفاق، قرض‌الحسنه و...

نظام دفاعی و نظامی با تئوری جهاد با راهبرد بازدارندگی؛ که مجموع این نظام‌ها و نظایر آن در ارتباطی عمیق و برنامه‌ریزی شده، نظام حکومت اسلامی را شکل خواهد داد. یکی از نظام‌های مهم که در طراحی هر نظام و هر سیستم مدنظر قرار می‌گیرد، نظام کنترل و نظارت است. شکل‌گیری و تداوم حرکت و بقای سایر نظام‌ها و نظام کلی وابسته به آن است، که در این ارتباط، اسلام یکی از کامل‌ترین مدل‌ها و الگوهای هدایت و نظارت را با کارکردهای اجتماعی و فردی معرفی نموده که همان نظام امر به معروف و نهی از منکر است که در واقع تضمینی جدی برای پاگیری و قوام سایر نظام‌ها و نهایتاً ایجاد و برقراری نظام اسلامی است که در این زمینه کلام مقام معظم رهبری(مد ظله‌العالی) در دیدار با مسئولین و کارگزاران نظام در تاریخ ۷۹/۴/۱۹ اشاره به همین ویژگی دارد که می‌فرماید:

«قوم، رشد، کمال و صلاح وابسته به امر به معروف و نهی از منکر است و اینهاست که نظام را جوان نگه می‌دارد.»

از نظر جامعه‌شناسی اسلامی؛ اسلام، مکتبی جامع و آیینی کامل است که هم برای ویژگی‌های زندگی فردی انسان و هم برای شکل‌دهی به روابط سالم اجتماع، برنامه‌ریزی کرده است. از طرفی، بیشتر دستورات دین، حتی در بخش‌هایی که به احکام عبادی و تنظیم رابطه‌ی فرد با خدایش پرداخته، از جنبه‌ای اجتماعی نیز برخوردار است.

رفتارهای شخصی افراد، گرچه در مرحله نخست تأثیر مستقیم بر روح و روان شخص برجای می‌گذارد، اما از محدوده ضمیر فرد فراتر می‌رود و به اجتماع نیز می‌رسد. خصوصیات فردی و خلیات شخصی که در رفتار عضوی از جامعه ظاهر می‌شود، به‌سان موجودی متحرک عمل می‌کند و حصار محدود محل

و منکر از جایگاه حقیقی و قرآنی خود تنزل پیدا می‌کند و معنای دلخواه مردم جامعه را به خود می‌گیرد. بنابراین تنها اموری زشت شمرده می‌شود که فهم انظار عمومی آن را زشت بدانند. در جای جای قرآن، عباراتی نظیر: «اکثرهم لایؤمنون»، «اکثرهم لایشعرون»، «اکثرهم لایعقلون» و «اکثرهم فاسقون» و... (رک: بقره/۱۰۰؛ آل عمران/۱۱۰؛ مائده/۱۰۳؛ انعام/۳۷ و ۱۱۱؛ اعراف/۱۰۲ و ۱۳۱؛ انفال/۳۴؛ توبه/۸ و...) آمده است که این آیات معنا و تکلیف دموکراسی‌های غیردینی و جایگاه حقیقی آن را به زیبایی ترسیم می‌کند.

از سوی دیگر ممکن است بشر در بعضی از جوامع یا در زمان‌ها و حالت‌هایی به معنای حقیقی معروف و منکر دسترسی نداشته باشد یا معنای آن را نفهمیده باشد و یا کج فهمیده باشد؛ چرا که رسیدن به معنای صحیح امر به معروف و نهی از منکر در قرآن و احادیث معصومین(ع) با کنکاش و بررسی‌های علمی و فقهی به دست می‌آید. حال آیا می‌توان گفت افرادی که برخوردار از رأی مردم هستند و قدرت جامعه را در اختیار دارند، بدون داشتن صلاحیت علمی و فقهی لازم تنها مرجع امر به معروف و نهی از منکر باشند؟! بدیهی است که آیات و روایات بر این نظریه خط بطلان کشیده است.

از سوی دیگر نظریه‌ای وجود دارد که اگر جان افراد به خطر بیفتد و یا مفسده مالی وجود داشته باشد، می‌توان این فریضه را ترک کرد. بنابراین نظر، جریان امر به معروف ابوذر و نهی از منکر ایشان در زمان خلافت عثمان و تبعید او به «بذة» که در نهایت مرگ او را غریبانه به همراه داشت، چگونه توجیه می‌شود؟ چرا با وجود سکوت بسیاری از صحابه، او نتوانست ساکت بماند؟! چرا با امر به معروف و نهی از منکر جان خود، آرامش خانواده و حقوق ماهیانه بیت المال را از دست داد؟ آیا می‌توان گفت که با امام خویش علی(ع) مخالفت کرده که قطعاً چنین نیست؛ چرا که بدرقه غریبانه امام علی(ع) و پسرانش و سلمان و تنی چند از یاران خاص، مهر تأییدی بر این عملکرد ابوذر است.

از دیگر حوادثی که این نظریه را رد می‌کند، جریان زندگی میثم تمار است و یا حادثه‌ی جان‌گداز کربلا و شهادت امام حسین(ع) و هفتاد و دو تن از بهترین یارانش و اسارت خاندان عصمت و طهارت که در راستای انجام امر به معروف و نهی از منکر رخ داده است.

بنابراین باید دید که معروف و منکر چیست و کدام معروف و کدام منکر است که فقط صاحبان قدرت باید آن را انجام دهند و کدام معروف و کدام منکر است که مؤمنان، و لو اندک و بدون قدرت، باید آن را انجام دهند و در راستای برپایی آن، نباید از بذل جان خویش دریغ ورزند؛ چرا که معروف می‌تواند در صورت محوشدن، به محو اسلام منتهی گردد و همین است

این جامعه‌شناس غربی با مشاهده نابسامانی‌های اجتماعی این سؤال در ذهنش خطور کرد که چرا جامعه جدید غربی دچار بی‌نظمی و آسیب‌های اجتماعی شد. به بیان دیگر سؤال اساسی وی این بود که چه چیزی سبب می‌شود که جامعه حفظ شود و دچار اضمحلال و فروپاشیدگی نگردد. وی در این زمینه به این جواب دست یافت که «همبستگی اجتماعی» سبب می‌شود که جامعه قوام داشته باشد و دچار بی‌نظمی نگردد. زیرا در این نوع جامعه، افراد دارای اخلاقیات مشترکی هستند که همان وفاق اجتماعی بر سر ارزش‌ها و قواعد اخلاقی و پذیرش آن از سوی اکثریت افراد جامعه است؛ امری که باعث می‌شود افراد خاطی از این اخلاقیات مشترک به‌شدت مجازات شوند (ریترز، ۱۳۷۱: ۷۵).

اما در جامعه جدید مشکل اساسی این است که هیچ‌گونه نظام اخلاقی مشترک و قوی وجود ندارد؛ چرا که مذهب در زندگی اجتماعی آحاد جامعه، رنگ باخته و فردگرایی رو به فزونی گذاشته است. به عبارت دیگر؛ «وفاق اجتماعی» که قبلاً باعث استحکام جامعه بوده، به سستی گراییده و به ضعف نظام مشترک اخلاقی منتهی می‌گردد.

با پدید آمدن چالش فقدان «همبستگی اجتماعی» در جوامع جدید اندیشمندان غیرمسلمان و عمدتاً غربی اشتباه بزرگتری را مرتکب شدند و در جستجوی یک همبستگی اجتماعی متفاوت در جامعه جدید هستند که منبع آن، ناشی از تفاوت افراد و اعتقاد به اخلاقیات صنفی و حرفه‌ای غیرمشترک است. به عبارت دیگر؛ در جامعه‌ی جدید تقسیم اجتماعی کار و نیاز متقابل افراد به یکدیگر باعث می‌شود که نظام اخلاقی مشترک حفظ گردد و جامعه - به زعم آنان - از یک کنترل اجتماعی برخوردار گردد. (ریترز، ۱۳۷۱: ۷۷).

اما، در حقیقت، فقدان فریضه‌ی الهی «امر به معروف و نهی از منکر» و منطبق بودن آن با نیازهای اجتماعی بشر، در کلام بعضی از اندیشمندان منصف غربی کاملاً هویداست؛ چرا که بالاخره علم در نهایت به نیازهای اساسی و ارتباط دوسویه با ایمان و دستورات ناب الهی منطبق با فطرت پی‌می‌برد؛ به طوری که «مایکل کوک» نویسنده و محقق برجسته آمریکایی بر این امر تأکید دارد. وی معتقد است که: «فریضه امر به معروف و نهی از منکر، تکلیف هر مسلمان را در سراسر جهان برای بازداري مردم از زیر پا گذاشتن قانون خداوند روشن می‌سازد وی در اثر ارزشمند خود در موضوع امر به معروف و نهی از منکر که نگارش آن به گفته خود او پانزده سال طول کشیده و برگزیده چندین جایزه بین‌المللی کتاب است، به بررسی این فریضه در قرآن و حدیث و همچنین در نزد متفکران مختلف از اهل سنت و شیعه می‌پردازد. صفحه نخست این کتاب با ذکر حادثه‌ای آغاز می‌شود؛ به این صورت

پیدایش خویش را درهم می‌شکنند و در شاکله محیط اجتماعی به جریان می‌افتد.

آیین اسلام که در پی آراستن روان فردی انسان و ترسیم ساختار زندگی جمعی بر اساس فضائل اخلاقی است، برای کنترل این حرکت خزننده در کالبد اجتماعی اندیشیده و تمهیدات فراوانی مهیا کرده است که از جمله آنها می‌توان به دستور دینی «امر به معروف و نهی از منکر» اشاره کرد.

بر اساس این وظیفه شرعی، هر کس علاوه بر مسؤولیت حفظ و کنترل خویشتن، در قبال دیگران نیز مسؤول است؛ به گونه‌ای که هر فرد جامعه اصلاح خود را در گرو تحقق صلاح محیط زندگی خود می‌داند.

در حقیقت، یک فرد به منزله نگرهبانی است که در جامعه بر برج و باروی مرزهای نیکی‌ها و پلیدی‌ها جای گرفته و برای تحقق خیر و صلاح عمومی پاس می‌دهد. او مکلف است که هر گونه لغزش همراهان را چون خطای خویش دانسته و به محض آگاهی و شناخت آنها در صدد علاج برآید. اگر خوبی‌ها را مشاهده کرد، ترغیب و تأیید و همراهی نماید؛ «...وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى...» (مائده/۲) و اگر رفتارها را در مسیر رشد و صلاح ندید، از آن‌ها دوری گزیده و حتی دیگران را از گرایش به آن سوی باز دارد؛ «...وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ...» (مائده/۲) انسان به‌طور طبیعی نیازمند زندگی جمعی است و اصطلاحاً «مدنی بالطبع» است؛ یعنی تن‌دادن به الزامات زندگی اجتماعی، جزء سرشت‌های ذاتی او است و به تعبیر ارسطو آنان که از مدینه خارجند، یا از ما برتراند و جزء فرشتگان، و یا از پست‌تراند و جزء درندگان. (فاستر، ۱۳۸۸، ج ۱: ۲۱۱).

بی‌تردید، این از ویژگی‌های آیین اسلام است که به جهت جاودانگی و همگانی بودن این دین و ضرورت پاسخگویی به تمامی مشکلات بشریت، به حل معضلات اخلاقی و رفتاری جامعه با تکلیف به فریضه امر به معروف و نهی از منکر پرداخته است. به عبارت دیگر، مفهوم امر به معروف و نهی از منکر، کاملاً پدیده‌ای الهی می‌باشد و عمل به آن دواي دردهای فراوان اجتماعی است که تمدن‌های غربی به دلیل عدم برخورداری از آن به راه انحراف رفته‌اند. اما، چون این موضوع با فطرت انسانی و نیازهای دنیوی و اخروی انسان سازگاری دارد، بشر به سبب انجام ندادن این فریضه در رنج و نابسامانی اجتماعی گرفتار می‌شود. بنابراین به درمان جایگزین و البته غیراساسی و ناکارآمد دست می‌زند که نه تنها مشکلات و نیازهای خود را مرتفع نمی‌سازد بلکه به پیچیده‌تر شدن مشکلات اجتماعی کمک می‌کند. در همین راستا، «دورکیم» با مشاهده نابسامانی‌ها و آشفتگی‌های اجتماعی در جامعه‌ی غربی «وفاق اجتماعی یا همبستگی اجتماعی را توصیه می‌کند تا از زوال و از هم‌گسیختگی مبانی و ارزش‌های جامعه جلوگیری کند.

۱- امر به معروف و نهی از منکر از سوی انظار عمومی و آحاد مؤمنان در جامعه اسلامی در صورت جمع شدن شرایط آن، نه تنها باعث هرج و مرج و آشوب‌طلبی نمی‌شود، بلکه باعث استحکام پایه‌ها و باورهای اسلامی می‌گردد.

۲- عدم تأثیر امر به معروف و نهی از منکر در مخاطب، نمی‌تواند بهانه و توجیهی برای ترک این عمل باشد؛ بلکه ممکن است این دو فریضه در مواردی بر مخاطب تأثیر نداشته باشد، ولی آثار تخریبی دیگری همچون رواج بدعت‌ها و شکستن قبح منکرات و هتک حرمت‌ها را به دنبال داشته باشد.

۳- هرچند یکی از شروط اقامه امر به معروف و نهی از منکر، داشتن قدرت عنوان شده است؛ ولی این بدان معنی نیست که فقط صاحبان قدرت و حکومت، صلاحیت انجام این دو فریضه را دارند و بقیه مؤمنان از انجام این دو فریضه سرباز زنند؛ چرا که ممکن است گاهی صاحبان قدرت برای رسیدن به آرای بیشتر مردم، منکرات را در جامعه توجیه کنند و یا در برابر آن چشم‌پوشی کنند.

۴- آیین اسلام که در پی آراستن روان فردی انسان و ترسیم ساختار زندگی جمعی بر اساس فضائل اخلاقی است، برای کنترل این حرکت خزننده در کالبد اجتماعی اندیشیده و تمهیدات فراوانی مهیا کرده است که از جمله آنها می‌توان به دستور دینی «امر به معروف و نهی از منکر» اشاره کرد؛ بر اساس این وظیفه شرعی، هر کس علاوه بر مسؤولیت حفظ و کنترل خویش، در قبال دیگران نیز مسؤول است؛ به گونه‌ای که هر فرد جامعه، اصلاح خود را در گرو تحقق اصلاح محیط زندگی خود می‌داند.

۵- فقدان فریضه‌ی الهی «امر به معروف و نهی از منکر» و منطبق بودن آن با نیازهای اجتماعی بشر، در کلام بعضی از اندیشمندان منصف غربی کاملاً هویداست؛ چرا که بالاخره علم در نهایت به نیازهای اساسی و ارتباط دوسویه با ایمان و دستورات ناب الهی منطبق با فطرت پی‌می‌برد هر چند که هم‌اکنون، در فرهنگ غربی جای چنین وظیفه‌ای خالی است ولی نهایتاً گم‌شده خویش را در فرهنگ اسلامی پیدا می‌کند.

که: «در شب پنج‌شنبه ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۸، یک زن در ایستگاه قطار محلی در شیکاگو در حضور چندین تن مورد تجاوز قرار گرفت. سیمای برجسته این رویداد این بود که هیچ‌کس برای یاری به وی واکنشی از خود نشان نداد و به فریادهای او که از آنان یاری می‌خواست، توجهی نکرد. سپس گزارش روزنامه «شیکاگو تریبون» و «تایمز» را منعکس می‌کند که تماشاگران که شمارشان زیاد بود، به سادگی ایستاده بودند و گذاشتند چنین اتفاقی بیفتد؛ حتی وقتی قطار سر می‌رسد، سوار شده و به راه خود می‌روند.

مایکل کوک در ادامه می‌نویسد: کسی نمی‌تواند درست کناری بایستد و فردی را به چشم ببیند - حتی اگر آن فرد بیگانه بیگانه باشد - که این‌گونه با او رفتار می‌شود. باید کسی کاری کند و واکنشی از خود نشان دهد و یا دلیل خاصی برای عدم اقدام داشته باشد. به سخن دیگر؛ مفهوم روشنی داریم که گونه‌ای وظیفه است. با آن‌که در زندگی روزانه ما نامی از این وظیفه نداریم... این ارزش است... خواه درک کنیم یا نه؛ ولی در حقیقت کاملاً خوب می‌فهمیم که فرهنگ‌مان نیاز هیچ طرز گفتار ساخته و پرداخته‌ای از درکمان را برطرف نمی‌سازد.

آن‌گاه مایکل کوک نتیجه می‌گیرد که در فرهنگ غربی جای چنین وظیفه‌ای خالی است و نهایتاً گم‌شده خویش را در فرهنگ اسلامی پیدا می‌کند. «من تا هنگامی که برای پژوهش در اسلام کار نکرده بودم، از این مسأله آگاهی نداشتم. برعکس غرب، اسلام برای وظیفه‌ی اخلاقی گسترده از این دست، هم نام دارد و هم آموزه؛ این نام، امر به معروف و نهی از منکر است» (کوک، ۱۳۸۴: ج ۱، ۲۹-۳۳).

شهید مطهری از این اصل به عنوان «اصل فراموش شده» یاد می‌کند و معتقد است که در یک قرن اخیر، این اصل در کتاب‌ها به صورت تفصیلی مورد بحث قرار نگرفته است (مطهری، بی‌تا: ۶۱). از سوی دیگر، به باور ما، امام خمینی (رحمة‌الله‌علیه) اولین عالمی است که در متون فقهی اخیر و کتب فتوایی، سنت پرداختن دوباره به امر به معروف و نهی از منکر را احیا نموده است.

## ۵- نتیجه

در این مقاله باتوجه به مفهوم امر به معروف و نهی از منکر بیان شد که این دو فریضه، اساسی‌ترین و کارآمدترین شیوه برای نظارت اجتماعی محسوب می‌گردند. از سوی دیگر با تجزیه و تحلیل آیات و احادیث به این نتیجه رسیدیم که اسلام با تشریح این دو فروع دینی می‌خواهد طوری به تربیت افراد جامعه بپردازد که همه افراد جامعه نسبت به یکدیگر احساس مسؤولیت کنند. به عقیده ما با توجه به یافته‌های این مقاله می‌توان به نتایج زیر دست یافت:



## منابع

## قرآن کریم.

۱. آمدی، عبد الواحد بن محمد (۱۳۶۶)؛ **غررالحکم و درر الکلام**، قم، انتشارات دفتر تبلیغات، چاپ اول.
۲. ابن شهر آشوب، محمد (۱۴۱۰ق)؛ **متشابه القرآن و مختلفه**، قم، انتشارات بیدار، چاپ اول.
۳. ابن شهر آشوب، محمد، (۱۳۷۹ق)؛ **المناقب**، قم، مؤسسه ی انتشارات علامه.
۴. احسائی، ابن ابی جمهور (۱۴۰۵ق)؛ **عوالی اللالی**، قم، انتشارات سید الشهداء، چاپ اول.
۵. احمدی، حبیب (۱۳۷۸)؛ **جامعه شناسی انحرافات**، تهران، نشر سمت، چاپ دوم.
۶. البرقی، احمد بن محمد بن خالد (۱۳۷۱ق)؛ **المحاسن**، قم، دار الکتب الاسلامیه، چاپ دوم.
۷. حاکم حسکانی، عبیدالله بن عبدالله (۱۴۱۱ق)؛ **شواهد التنزیل لقواعد التفضیل**، تحقیق محمد باقر محمودی، تهران، انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، چاپ اول.
۸. حسینی استرآبادی، سیدشرف الدین (۱۴۰۹ق)؛ **تأویل الآیات**، قم، انتشارات جامعه ی مدرسین، چاپ اول.
۹. حلی، علامه حسن (۱۴۰۹ق)؛ **الألفین**، قم، انتشارات دار الهجرة، چاپ دوم.
۱۰. راوندی، قطب الدین (۱۴۰۵ق)؛ **فقه القرآن**، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی، چاپ دوم.
۱۱. ریتزر، جورج (۱۳۷۱)؛ **نظریه های جامعه شناسی**، احمدرضا غروی زاده، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی.
۱۲. شیخاوندی، داور (۱۳۷۳)؛ **جامعه شناسی انحرافات**، گناباد، نشر مرندیز، چاپ سوم.
۱۳. صدوق، شیخ محمد (۱۴۰۳ق)؛ **الخصال**، قم، انتشارات جامعه مدرسین، چاپ دوم.
۱۴. طالقانی، سید محمود (۱۳۶۲)؛ **پرتوی از قرآن**، شرکت سهامی انتشار، چاپ چهارم.
۱۵. طباطبایی، محمد حسین (۱۴۱۷ق)؛ **المیزان فی تفسیر القرآن**، قم، انتشارات اسلامی جامعه ی مدرسین حوزه علمیه، چاپ پنجم.
۱۶. طبرسی، علی بن حسن (۱۳۸۵ق)؛ **مشکاة الانوار**، نجف، کتابخانه حیدریه، چاپ دوم.
۱۷. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)؛ **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، تهران، انتشارات ناصر خسرو، چاپ سوم.
۱۸. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۶۵)؛ **التهذیب**، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم.
۱۹. طوسی، محمد بن حسن (بی تا)؛ **التبیان فی تفسیر القرآن**، تحقیق احمد قصیر العاملی، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
۲۰. عاملی، شیخ حر (۱۴۰۹ق)؛ **وسائل الشیعه**، قم، مؤسسه آل البيت، چاپ اول.
۲۱. عروسی الحویزی، عبدالعلی ابن جمعه (۱۴۱۵ق)؛ **تفسیر نور الثقلین**، تحقیق سیدهاشم رسولانی محلاتی، قم، چاپ چهارم.
۲۲. فاستر، مایکل (۱۳۸۸)؛ **خداوندان اندیشه سیاسی**، علی رامین، تهران، انتشارات امیر کبیر.
۲۳. فضل الله، سید محمد حسن (۱۴۱۹ق)؛ **تفسیر من وحی القرآن**، دار الملائک للطباعه و النشر، چاپ دوم.
۲۴. قطب، سید، (۱۴۱۲ق)؛ **فی ظلال القرآن**، بیروت، دار الشروق، چاپ هفدهم.
۲۵. قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴ق)؛ **تفسیر القمی**، مؤسسه دار الکتب، چاپ سوم.
۲۶. کلینی رازی، ابو جعفر محمد بن یعقوب (۱۳۶۵)؛ **الکافی**، تهران، دار الکتب الاسلامیه، چاپ چهارم.
۲۷. کورز، لوئیس (۱۳۸۰)؛ **زندگی و اندیشه بزرگان جامعه شناسی**، محسن ثلاثی، تهران، انتشارات علمی.
۲۸. کوفی، فرات بن ابراهیم بن فرات (۱۴۱۰ق)؛ **تفسیر الفرات**، تحقیق محمد کاظم محمودی، تهران، انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، چاپ اول.
۲۹. کوک، مایکل (۱۳۸۴)؛ **امر به معروف و نهی از منکر در اندیشه اسلامی**، احمد نمایی، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی.
۳۰. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۴ق)؛ **بحار الأنوار**، بیروت، مؤسسه الوفاء.
۳۱. محلی، جلال الدین و سیوطی، جلال الدین (۱۴۱۶ق)؛ **تفسیر الجلالین**، بیروت، مؤسسه النور للمطبوعات، چاپ اول.
۳۲. مطهری، مرتضی (بی تا)؛ **ده گفتار**، انتشارات صدرا، چاپ دوازدهم.
۳۳. مفید، شیخ محمد (۱۴۱۳ق)؛ **المقنعه**، قم، کنگره شیخ مفید، چاپ اول.
۳۴. میری آشتیانی، الهام (۱۳۸۲)؛ **مقدمه ای بر آسیب شناسی مسائل اجتماعی در ایران**، تهران، نشر فرهنگ گفتمان، چاپ اول.
۳۵. نوری، محدث (۱۴۰۸ق)؛ **مستدرک الوسائل**، قم، مؤسسه آل البيت، چاپ اول.